

در آرد و سیمان بدادند و سیمان نیزه چنان بر پهلوی او زد که از پهلوی دیگر سر بردارد و از پشت  
مکعب در خاک انداخت و بغایت خداسا بنده از وی برافزاید و دیگر برودن آمد نام او هم  
خالد زاده ابو جیل بود هرگز نام علی بر زبان نماندی و دیگر از قبیل کندی که سیمان در آمد و باغ  
حمید بر سیمان تیغ او را زد و در کرب را بخت و چون تیر در همان نهاد و گفت ای لعین هرگاه  
ان سکه سپرد و در کشتید سیمان نیزه را که داد در قبه سیران چون زد که از سپر گذر کرد و سوز  
انگشت آمد بر آن از پشت او در رفت و از کرب در افتاد و جان بداد و بغایت خدافت و بید  
ازدی هم بر آن مردان آمد و هر کرب جوان دو ان بر شسته و سلاح بولکانه بر خود رکست  
کرده آن کت شمشیر و چهل نیزه از پشت در روح معادیه و نیزه یک نقد بود و نام در زمین او را بچو  
کرده بود سیمان سید و لقب ای کوبه برانی کشتن تو زمین از پیوسته است سیمان  
اندر آمد و یک سن نیزه در سینه آن پیروز که از پشت انگشت یک ازین سر برد  
ایکان و دو گان می آمدند و کشته میشدند تا بقضا و جها ز لایس کشت سپرد تا در پاره پاره در ده  
ای مردمان دل بر جایی دارد که کجا چنگل چمن بود ان سکت درین سخن چه چنان مگر کندی  
اسب در میدان انداخت که کشته ترین بر اثر تیر می بود و هزار روز از کرب کرد و گفت من  
رو در مصاف می آرم و شما مغار بنشیند که کشتارت کیم شما را پیش ازین می در آید و نموده  
کشته بدین ذل سکت مصاف در آمد و در آن بر سیمان زد و در او کشته شد ان ملعون کت  
نیزه باین کردی نیزه بمان برودن می آرم و دست بدان نوم سکت اشارت کرد ان هزار

سوار

Handwritten text in the top left margin of the left page.

و در آنجا که تاسی بنام استعلام علی الاصل و لما کارها مظنه سوال  
وهو انما العو المصاعف المعتاد وجعل غیر السلام مثلها معان  
حروف صرف الصبیح استار الحواصی بقوله وانما الحق المصاعف با  
لان حرف الضعيف يلفظه الابدال وهوان لضعف وضع حرف  
آخر الحروف التي تجعل موضع حرف آخر حرفا قسيت بوضع حرف  
طاول وكل منها بيدل من عه حروف ولا يلبس بغيره انما وذلك  
الابدال لفولهم ما لم يجمع املت بغير صلة املت فلبس الابدال  
خبره بالاقبال اجاع المشابه مع نعت الابدال سكون اللفظ وما  
ذلك لتبعية الكلام نحو نقضى البازي اي نقض وحسب البازي  
حسب وتعبني في العف وكذا الرياي نحو دعتني اي دعت  
وصحبت لي صحه ههنا وامثال ذلك وكذا يلفظه الخذف لضعف  
مست وظن لضعف الفاوه وسها وحسب والمست وظن وحسب  
بغير اتصال مست والمست الكسوف السبين الا في النعت مثلا  
دعاهم مع جمع للشبه والتخفيف مطلوب والحسب لا في اللفظ  
لانه لم يجمع قبل التانيه لان النقل لتمام حده اما في لفظ لافان

Copyright © King Fahd University of Petroleum & Minerals